



Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

Vol. 52, No. 2, Issue 105

سال پنجاه و دوم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۵

Autumn & Winter 2020 - 2021

پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۲۰۹-۲۲۷

DOI: 10.22067/jquran.2020.40097

سبک‌شناسی کتاب جامع احادیث الشیعه*

دکتر جمال فرزند وحی^۱

استادیار دانشگاه رازی

Email: farzandwahy@yahoo.com

دکتر اعظم فرجامی

استادیار دانشگاه رازی

Email: azamfarjami@yahoo.com

کبری قلیچی

دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام

Email: kobragheligi@gmail.com

چکیده

جامع احادیث الشیعه تألیف سید حسین طباطبائی بروجردی (م. ۱۳۴۰)، مرجع عالی‌قدر شیعه، یکی از مجموعه‌های روایی ارزشمند حاوی روایات معصومین علیهم‌السلام در زمینه فقه است که با هدف رفع ایرادات و نقایص موجود در کتاب و سائل الشیعه و سایر مجموعه‌های روایی تدوین شده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که کتاب جامع احادیث الشیعه دارای چه اصول و سبکی است؟ نتیجه پژوهش حاضر گویای این مطلب است که تنظیم ابواب کتاب بر اساس ترتیب فقهی، تقدیم موضوعات اصولی بر فقهی و ذکر آیات الاحکام صورت گرفته است. اصول حاکم بر نقل احادیث در جامع الاحادیث شامل جامعیت روایات هر باب، نقل عین سند و متن حدیث، توضیح مفاهیم احادیث، عدم تقطیع احادیث، تقدیم روایات عام بر خاص و تقدیم روایات مطلق بر مقید است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: سیدحسین بروجردی، منابع اولیه حدیث، نقل روایات، سبک جامع احادیث الشیعه.

* مقاله پژوهشی؛ تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲۲.

۱. نویسنده مسئول

A study of the cognitive style of the Jami' ahadith al-Shi'a

Dr. Jamal Farzandwahy (Corresponding Author)

Assistant Professor, Razi University

Dr. Azam Farjami

Assistant Professor, Razi University

Kobra Gheligi

Postgraduate student, Ilam University

Abstract

The work Jami' ahadith al-Shi'a by Seyyed Hossein Tabatabai Boroujerdi (d. 1961), the supreme Shiite Marja, is one of the treasured collections of narrations from the Infallibles in the field of jurisprudence. It was compiled with the intention to eliminate the flaws and drawbacks of the Wasa'il al-Shi'ah and other collections of narrations. This research aims to investigate the principles and style used in Jami' ahadith al-Shi'a. The result of the present study suggests that the chapters of the book are arranged according to the jurisprudential order, the primacy of fundamental (Usuli) subjects over jurisprudence and the description of verses related to the Islamic religious rules.

The principles governing the narration of hadiths in Jami' ahadith al-Shi'a cover the exhaustiveness of the narrations in each chapter, quotation of the source and text of the hadith, description of the meanings of hadiths without distortion, giving priority to general narrations over specific ones and prioritizing absolute narrations over the conditional ones. This research adopts a descriptive-analytical method and data collection is performed using the library research method.

Keywords: Seyyed Hossein Boroujerdi, primary sources of hadith, narration, style of Jami' ahadith al-Shi'a

مقدمه

سیدحسین طباطبائی بروجردی در آخرین روزهای ماه صفر سال ۱۲۹۲ ق. در شهر بروجرد چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۸۰ ق. / ۱۳۴۰ درگذشت. نسب او با سی و دو واسطه به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد (شریف رازی، ۱۳۵۲، ۱/۳۵۴). او شخصیتی ممتاز و ذووجه است. بعد علمی شخصیت وی دارای امتیازات فراوانی است. در عصر حاضر او را احیاکننده فقه اسلامی و علوم تابعه آن نامیده‌اند. تعداد تألیفات وی غیر از رساله‌های عملیه، به چهل کتاب به زبان عربی می‌رسد (دوانی، ۱۴۵). از جمله تألیفات او کتاب فقهی جامع احادیث الشیعه است که با هدف ترتیب و تنظیم همه احادیث شیعه بر مبنای ابواب مختلف فقه از عبادات تا قصاص و دیات در ۳۱ جلد تدوین شده‌است. این کتاب به لحاظ ترتیب کتب و اسلوب همانند کتاب وسائل الشیعه است و به طور کلی روش معمول فقها و محدثان را در پیش گرفته و در ترتیب ابواب و فصول نیز ترتیب کتاب وافی را بکار برده‌است. مؤلف در مورد منابع خود در مقدمه کتاب (جامع ب، ۱/۱۳) به منابع روایی اشاره کرده‌است. تمام روایات فقهی دو کتاب وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل در آن انعکاس یافته‌است. گروه تألیف، علاوه بر روایات این دو کتاب، هر روایت فقهی دیگری را که در مراجعه به منابع دیگر، بدان دست یافته‌اند، به اثر خود افزوده‌اند (تبریزی، ۱۱-۱۲).

جعفر سبحانی (سبحانی، مصادر، ۳۷۶) می‌نویسد: «جامع احادیث شیعه تألیف گروهی متشکل از فضلالی حوزه علمیه، تحت نظارت مرجع بزرگ دینی و محقق آگاه سید حسین طباطبائی بروجردی است. این جامع از کارهای خوب روزگار شمرده می‌شود و ضخیم‌ترین جامع فقهی شیعه در دوره اخیر است که به خاطر تبویب، ترتیب، تنظیم، هماهنگی نیکو بر سایر جوامع برتری یافته و تمام احادیث موجود در کتب اربعه، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و غیر آن‌ها از سایر کتب حدیثی را دربرگرفته‌است، به گونه‌ای که فقیه را از مراجعه به سایر جوامع فقهی بی‌نیاز می‌گرداند».

درباره سبک‌شناسی جامع احادیث الشیعه مقاله مستقلی به چاپ نرسیده‌است، اما معرفی یا نگاه جزئی به بخش‌هایی از این کتاب در پاره‌ای موارد دیده می‌شود. برای نمونه از نویسندگان مقاله حاضر، «نگاهی دیگر به جامع احادیث الشیعه» در سال ۱۳۹۶ در مجله سفینه به چاپ رسید که در آن به اجمال بروجردی و کتاب جامع احادیث الشیعه و دیدگاه معاصران درباره آن معرفی شده‌است. در مقاله «اتحاد یا تعدد در روایات مشابه: بررسی تطبیقی عملکرد کتاب‌های وسائل الشیعه و جامع احادیث الشیعه» نیز محمدعلی مهدوی‌راد و محمدحسین بهرامی این دو کتاب را دامنه و اساس کار خود قرار دادند تا روش شناسایی روایات مشابه و فواید این شناسایی را نشان دهند.

با این همه، مقاله حاضر نگاهی تطبیقی بین روش مطرح شده در مقدمه کتاب جامع احادیث الشیعه و روشی است که بروجردی عملاً در متن کتاب در پیش گرفته است. این مطالعه همراه با ذکر مثال‌ها و نمونه‌ها و نیز مراجعه به منابع کهن یا متاخر صورت پذیرفته و هدف آن دستیابی به سبک و اصول کتاب است.

۱. مفاهیم

سبک به شیوه‌ای مشخص گفته می‌شود که در انجام گرفتن کاری یا ساخته شدن چیزی به کار می‌رود. (انوری، ذیل «سبک») سبک شناسی در علوم حدیث به دو معنا است:

- مقصود از سبک‌شناسی کتاب‌های حدیثی، شناخت قالب‌های از پیش تعیین‌شده مؤلفان و مصنفان در چینش احادیث به هنگام ارائه آن‌ها است. به تعبیر دیگر، سبک‌شناسی شناخت شیوه نگارش حدیث نگار است. در این تعریف توضیح دو نکته ضروری است:

الف) منظور از «قالب‌های از پیش تعیین‌شده» این است که گاه مؤلف قالب و پیکره‌ای را پی می‌افکند و سپس احادیث را در آن پیکره می‌گنجانند و به خوانندگان ارائه می‌دهد. اما گاهی پیرو قالبی است که دیگران آن را پی نهاده‌اند.

ب) مراد از «چینش احادیث» آن است که سبک‌شناسی در حقیقت شناخت شیوه و روش قرار دادن و تنظیم احادیث است که مؤلف در صورت ظاهری کتاب آن را دنبال می‌کند.

- مقصود از سبک‌شناسی متون حدیث آشنایی با گویش‌ها (اسلوب گفتاری و چگونگی بیان معصومان (ع) و قراین محیطی-تاریخی هر معصوم است. بیشترین بهره این شناخت در تصحیح متون روایی و شناخت احادیث جعلی است (غلامعلی، ۴). سبک‌شناسی از جهات مختلف از جمله روشمند شدن پژوهش‌ها، شناخت کتاب‌های حدیث و رجال، شناخت شیوه‌های گوناگون، احیای سبک‌های پیشین، آشنایی با تاریخ تدوین حدیث، بررسی تطبیقی سبک‌ها، شناخت سبک‌های منسوخ دارای اهمیت است (همان، ۷). سبک‌شناسی در علم الحدیث از دو جنبه مطرح می‌شود که در این مقاله سبک کتب حدیثی مورد نظر است.

۲. سبک کتاب جامع احادیث الشیعه

شناخت سبک این کتاب بر اساس شناخت دو دسته اصول حاصل می‌شود؛ نخست اصول تنظیم کتاب و دوم اصول نقل احادیث که هر کدام در چند محور معرفی و گنجانده می‌شوند.

۱-۲. بررسی اصول تنظیم ابواب کتاب

۱-۲-۱. رده‌بندی ابواب کتاب بر اساس ترتیب فقهی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های تألیف کتاب نحوه تنظیم و ترتیب ابواب مختلف کتاب است. یکی از اشکالات عمده بروجردی بر مجموعه‌های روایی، عدم تنظیم دقیق ابواب روایات فقهی بود. لذا به تألیف جامع الاحادیث بر اساس نظمی دقیق‌تر نسبت به دیگر جوامع حدیثی دست زد. او از میان همه مجموعه‌های روایی موجود، برای تنظیم ابواب کتاب خود شیوه و روش فیض کاشانی (م. ۱۰۹۱ ق.) در تدوین کتاب وافی و همچنین سبک حر عاملی در وسائل الشیعه را انتخاب کرد (واعظ زاده، ۱۷۲). بروجردی چون موضوع کتاب را روایات فقهی قرار داده بود و فقه مربوط به عمل مکلفین است، ابواب کتاب را براساس «عمل مکلفین» تنظیم کرد. به این صورت که اگر عمل یا حکمی متوقف بر عمل یا حکمی دیگر باشد، ابتدا مسائل آن عمل یا حکم ذکر شده است. برای مثال عمل به روایات متوقف است بر این‌که ابتدا باید حجیت روایات ثابت شود. سپس عمل به آن‌ها جایز خواهد بود. بر این اساس، در جلد اول کتاب در اولین باب به مباحث حجّت تحت عنوان «ما هو الحجّة في الفقه» پرداخته شده است (بروجردی، جامع، ۱/ ۱۳۳).

۱-۲-۲. تقدیم موضوعات اصولی بر فقهی

یکی از اصول دیگر حاکم بر کتاب جامع الاحادیث این است که مؤلف موضوعات اصول فقه را مقدم بر موضوعات فقهی ذکر کرده است. یعنی اصول فقه^۱ مقدمه فقه است. بر این اساس در مقدمه کتاب به مسأله حدیث و وجوب تمسک به قرآن و روایات توجه شده و روایات مربوط به آن را ذکر شده است. سپس ابواب کتاب با مباحث اصولی تحت عنوان «ابواب المقدمات وما هو الحجّة في الفقه وما يناسبها» آغاز شده است (بروجردی، همانجا). مباحث حجّت و آنچه که می‌تواند دلیل شرعی باشد، به عنوان اولین باب کتاب قرار گرفته است که یک مبحث اصولی است. در پایان هر باب نشانی روایات دیگری که به نوعی به مطلب اشاره دارد، آمده است. این کار یک استقصای بی‌نظیر از روایات اصولی پدید آورده است که نشان‌دهنده دقت نظر مؤلف و توجه او به مباحث اصولی است.

۱-۲-۳. ذکر آیات الاحکام در ابتدای ابواب

قرآن مجید اولین منبع استنباط احکام شرعی است که سند آن قطعی است. بروجردی که فقهی برجسته بود، می‌دانست که فقها برای استنباط احکام به منبع کاملی احتیاج دارند که هم تمام روایات را

۱- اصول فقه هو علم يبحث فيه عن القواعد التي يتوصل بها الى استنباط الاحكام الشرعية عن الادلّة: اصول فقه علمی است که در آن از قواعدی بحث می‌شود که بر اساس آن‌ها می‌توان احکام شرعی را از دلیل‌های آن به دست آورد (سبحانی، ۱۴۱۹ق، ص ۹).

دربداشته باشد و هم آیات فقهی را ذکر کرده باشد. لذا مؤلف در ابتدای هر باب فقهی این کتاب، آیات آن موضوع را ذکر کرده است تا فقها برای پیدا کردن آیات الاحکام نیاز به مراجعه به قرآن یا کتاب دیگری نداشته باشند. روش او در این جا تقدیم آیات مربوط به موضوع فقهی بر روایات و برحسب ترتیب سوره و آیه است؛ بدین نحو که اول اسم سوره، سپس شماره سوره، آنگاه شماره آیه و سرانجام آیه مورد نظر نقل می‌کند.

۲-۱-۴. ذکر روایات آداب و اخلاق در مجلدی مستقل

یکی از اشکالات تنظیم مجموعه‌های حدیثی آن است که روایات به صورت دقیق موضوع‌بندی نشده‌اند. بروجردی بر این نکته واقف بود که باید اینگونه روایات را از ابواب موضوعات فقهی جدا کرد و برای آن کتاب مستقلی قرار داد تا هم این روایات از آشفتگی و پراکندگی نجات یابد و هم برای طالبان این گونه روایات کار آسان شود و بتوانند روایات مورد نظر خود را به راحتی بیابند و هم فقها برای استنباط احکام با حجمی از روایاتی که با موضوع ارتباط ندارند، مواجه نشوند. لذا در ابتدای کتاب در مبحث «منهج کتاب و مأخذ» که روش و منبع کتاب را توضیح داده، به ابوابی از احادیث سنن مستحبی و نیز اخلاقی مثل ادعیه، قرائت قرآن، آداب سفر و... اشاره کرده است (همان، ۱/ ۲۰). در چاپ ۳۱ جلدی کتاب، جلدهای ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ اختصاص به این گونه روایات دارد.

۲-۲. اصول حاکم بر نقل احادیث

مهم‌ترین اصل اعتبار مجموعه‌های روایی در شیوه نقل احادیث نهفته است که محدثین در منابع روایی خود روایات را به چه شیوه و معیاری نقل می‌کنند؟ دقت‌های روایی آن‌ها به چه میزان است؟ آیا از مصادر اولیه حدیث استفاده کرده‌اند؟ این‌ها مواردی است که میزان اعتبار کتاب حدیثی را تعیین می‌کند. ما در این مقاله مجموعه روایی جامع احادیث الشیعه را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا اعتبار کتاب و وثاقت آن را از این جهت مشخص کنیم.

۲-۲-۱. جامعیت روایات هر باب

یکی از شاخصه‌های مهم کتاب جامع الاحادیث این است که مؤلف و گروه تحت امر وی، بر اساس موضوع کتاب که روایات فقهی است، تلاش کرده‌اند تا تمام روایات فقهی موجود را که از ائمه علیهم‌السلام صادر شده و اینک در جوامع روایی مختلف مندرج است، پیدا کنند و آن‌ها را بر اساس ترتیب ابواب فقهی ذکر کنند.

هر باب کتاب به یکی از موضوعات فقهی اختصاص دارد و تمام روایات فقهی آن موضوع در آن باب ذکر شده است. علاوه بر ذکر تمام روایات آن باب، نشانی سایر روایاتی که در ابواب مختلف کتاب ذکر شده و به نحوی مرتبط با عنوان مورد بحث و موثر در فهم است، در پایان آن باب نیز آمده است. نحوه ذکر نشانی

روایات مرتبط، بدین گونه است که ابتدا نام راوی، سپس شماره حدیث، آنگاه نام باب و نام مجموعه ابواب به ترتیب تقدم و تاخر باب ذکر شده است. به نمونه زیر توجه کنید:

و تقدّم فی احادیث باب (۲۱) أنّ المقتول إذا كان علیه الدّین و لم یترك مالا یجب قضاء دینه من دیته من أبواب الدّین ج ۲۳ ما یناسب ذلك و یأتی فی روایة اسحاق (۱) من باب (۸) أنّ الدّیة میراث کسایر الأموال من أبواب المیراث ج ۲۹ (در احادیث باب ۲۱ گذشت که اگر مقتولی دین بر گردن او باشد و مال از خود به جا نگذاشته باشد از دیه او دین او پرداخته می شود. (این احادیث در) جلد ۲۳ مناسب این بحث وصیت به ثلث بعد از قتل) است و همچنین می آید روایت اول اسحاق از باب ۸ که همان دیه میراث است مانند سایر اموال میت در جلد ۲۹) (بروجردی، جامع، ۳/۲۴/۳۷۴).

۲-۲-۲. دقت فراوان در نقل احادیث

بروجردی به این موضوع آگاه بود که جوامع روایی موجود، در نقل احادیث دارای اشکالاتی است که می بایست آن ها را رفع کرد. برای مثال یکی از اشکالات به کتاب وسائل الشیعه این بود که احادیث این کتاب تقطیع شده اند که این امر باعث قطع ارتباط میان صدر حدیث با فرازهای میانی و انتهایی حدیث می شود و فقیه نمی تواند منظور و دلالت کامل حدیث را درک کند. لذا ممکن است در استنباط حکم دچار اشکال یا اشتباه شود. بر این اساس مؤلفین در نقل احادیث کمال دقت را مرعی داشتند که این سرمایه فقه بدون تغییر محفوظ بماند و در اختیار فقها و علما و طالبان دین اصیل و ناب محمدی قرار گیرد. برای نمونه حر عاملی (۱۰۶/۳) درباره لزوم نماز بر قبر میتی که بدون نماز دفن شده، روایتی را از عمار بن موسی و او از امام صادق (ع)، به صورت تقطیع شده گزارش کرده است: «و لا یصلی علیه و هو مدفون». به نظر ابوالقاسم خوئی (۱۲۴/۹) اشکالی که در برداشت فقهی از این حکم رخ داده، بر اساس تقطیع نامناسب صاحب وسائل است. بروجردی (جامع الف، ۳/۳۳۱) این روایت را به صورت کامل نقل کرده است.

به همین دلیل محققان جامع احادیث الشیعه در نقل احادیث به منابع معتبر روایی رجوع کرده و اختلاف نسخه ها را مورد ملاحظه قرار داده اند. آن ها در نقل احادیث نام تمام راویان احادیث را به طور کامل ذکر کرده اند، اگرچه در منبع مورد استفاده نام راوی به صورت کامل نیامده باشد. لذا با تفحص در سایر مجامع روایی نام کامل راوی را پیدا کرده و آن را ضبط کرده اند.

۲-۲-۳. نقل از مصادر اولیه

در نقل احادیث به این گونه عمل شده است که ابتدا احادیث دو کتاب وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل در مصادر اولیه نقل آن جستجو شده است. سپس اگر حدیث در مصدر اولیه آن یافت شده، اخذ

شده است. اما اگر حدیث در مصدر اولیه پیدا نشده، به نقل دو کتاب مذکور اکتفا شده و نام مصدر اولیه آن پس از نام کتاب وسائل الشیعه یا مستدرک الوسائل آمده است.

۳۸۵ (۶۵) کافی ۵۰ ج ۱ محمد بن الحسن عن سهل بن زیاد عن ابن سنان عن محمد بن روان العجلي عن علي بن حنظله قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: اعرفوا منازل الناس علي قدر روايتهم عنا (همان، ۱/ ۲۹۰). این حدیث شریف از مصدر اولیه آن نقل شده است.

حدیث: ۶۳۰ (۴) مستدرک ۴۷ ج ۱۶ دعائم السلام قال جعفر بن محمد عليهما السلام: رفع الله عن هذه الامة اربعاً: ما لا يستطيعون وما استكروها عليه وما نسوا وما جهلوا حتي يعلموا (همو، جامع، ۱/ ۳۹۰). این حدیث در کتاب دعائم الاسلام آمده است، اما چون اصل آن در کتاب مذکور یافت نشده آن را به نقل مستدرک از کتاب دعائم الاسلام روایت کرده اند^۱ (همان، ۱۹/ ۱۹۴).

این نحوه از نقل احادیث و اکتفا نکردن به دو کتاب وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل و رجوع به مصادر اولیه، کتاب جامع الاحادیث را دارای دو ویژگی بارز کرده است:

۱) نقل از مصادر اولیه احتمال خطای متن و سند حدیث را بسیار کم می کند. لذا محققین با اطمینان خاطر از احادیث استفاده می کنند

۲) اگر عده ای بخواهند احادیث را در مصادر اولیه آن ببینند، جامع الاحادیث نشانی آن ها را در اختیار آنان قرار می دهد.

۲-۲-۴. تصحیح و مقابله مکرر

محدثین در طول زمان از کتب روایی نسخه برداری های متعددی کرده اند و این امر موجب بروز خطاهایی در نقل سند و متن احادیث شده است و به این جهت نسخه ها با هم اختلاف دارند. از این رو گردآورندگان جامع الاحادیث برای اصلاح و تصحیح روایات به نسخه های متعددی رجوع نموده و از میان نسخ موجود، نسخه های اصیل و قدیمی را یافته و روایات را با نسخه های اصلی مقابله کرده و اصلاحات لازم را انجام داده اند. به این نمونه توجه کنید:

(۹) کافی ۶۴۵ ج ۲ عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد عن ابن فضال عن معاوية بن وهب عن ابي عبد الله عليه السلام قال ان الله عز وجل قال [ان] البخيل «۲» من يبخل بالسلام (همان، ۲۰/ ۱۰۷). متن اصلی حدیث بدون اصلاح ذکر شده است، اما در پاورقی (۲ = من بخل - خ ل) اصلاح شده آن آمده است. بدین صورت اصلاحات انجام گرفته در پاورقی متن اصلی ذکر می شود تا علاوه بر تصحیح

۱- این حدیث در دعائم الاسلام ج ۲، ص ۹۵ موجود است. باید گفت مؤلفین جامع الاحادیث یا دقیق ندیده اند و یا در نسخه ایشان نبوده و یا ایشان کتاب را معتبر نمی دانسته اند.

اشکالات موجود در متن روایات، امانت در نقل از منابع نیز رعایت شود.

۲-۲-۵. نقل عین سند و متن حدیث

آنچه در مجموعه‌های حدیثی بسیار اهمیت دارد این است که روایات باید از نقل کامل برخوردار باشند تا کسانی که به آن‌ها مراجعه می‌کنند، اعتماد کافی پیدا نمایند. در مجموعه روایی جامع الاحادیث و همچنین بر طبق بیان گردآورندگان آن، در می‌یابیم که سند و متن احادیث بدون کوچک‌ترین تصرف و تغییری نقل شده‌اند و هیچ‌گونه تلخیصی در سند و متن احادیث صورت نگرفته است.

و معلوم آن‌هاست که ما لم تضبط فیہ الاحادیث کما هی بعین المراجعه مع کثره ما فیها من الاختلاف لا یغنی المستنبط عن المراجعه إلی مأخذها وعن النظر إلی تفصیلها فلذا قد أثبتنا الاحادیث کما هی فی الأصول مع ضبط الخصوصیات من دون الإطالة و التکرار (بدیهی است که تا وقتی عین الفاظ احادیث در «جامع» حفظ نشود، با وجود کثرت اختلافاتی که در روایات هست، مستنبط را از مراجعه به مأخذ و اعمال نظر در تفصیل آن‌ها بی‌نیاز نخواهد ساخت. به همین جهت، ما احادیث را همان‌گونه که در اصول اولیه بود حفظ کردیم، بدون این‌که مبتلا به اطاله و تکرار شویم) (همان، ۲۳/۱). این روش بروجردی را با ذکر مثالی بیشتر می‌توان توضیح داد:

۳۱۲۶۶ - (۳) مستدرک ۲۹ ج ۱۳ البحار عن اعلام الدین للدیلمی عن ابن عمر قال قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله لیس شیء یباعدکم من النار إلاً وقد ذکرته لکم ولا شیء یقرّبکم من الجنّة إلاً وقد دللتکم علیه أنّ روح القدس نفث فی روعی أنّه لن یموت عبد منکم حتّٰی یتکمل رزقه فاجملوا فی الطلب فلا یحملنکم استبطاء الرزق علی ان تطلبوا شیئاً من فضل اللّٰه بمعصیته فإنّه لا ینال ما عند اللّٰه إلاً بطاعته ألا وإنّ لكلّ امرء رزقاً هو یأتیه لا محالة فمن رضی به بورک له فیهِ ووسّعهُ ومن لم یرض به لم یبارک له فیهِ ولم یسعهُ انّ الرزق لیطلب الرّجل کما یطلبه أجله (همان، ۲۲/۴۱).

در مثال بالا همه متن و سند بین منابع مستدرک، بحار، اعلام الدین و جامع الاحادیث بروجردی همسان بود و تنها یک تفاوت اندک بین آن‌ها وجود داشت. بروجردی (همانجا) و مستدرک (۲۹/۱۳) «فإنّه لا ینال» گزارش کردند و مجلسی (۱۸۵/۷۴) و دیلمی (۳۴۲) «فإنّه لن ینال». این مثال نشان می‌دهد که احتمالاً بروجردی برای نگارش و رونویسی از منابع متأخرتر مثل مستدرک الوسائل بهره برده است که اختلافات اندک محدث نوری با منابع پیشین، همانند تغییر حرف لن به لا، در جامع احادیث الشیعه نیز تکرار شده است.

۲-۲-۶. نقل عین اسامی راویان احادیث

مؤلفین کتب روایی در آثار خود به انحای گوناگون در سند یا متن حدیث تغییراتی ایجاد کرده‌اند. یکی

از تغییرات در سند این بوده است که اسم بعضی از روایان را به صورت رمز یا به صورت اختصار ذکر شده است. در کتاب جامع احادیث الشیعه عین اسامی روایات به همان صورتی که در کتاب اصلی و مصدر آمده، ضبط شده است.

۳۰۲۶۷ (۱۰) الکافی ۴۳۹ ج ۶ (عدة من اصحابنا - معلق) سهل بن زیاد عن محمد بن الحسن بن شَمُون عن عبد الله بن عبد الرحمن عن مسمع بن عبد الملك عن أبي عبد الله ع قال: أبصر رسول الله ص رجلاً شعثاً شعر رأسه وسخة ثيابه سيئة حاله فقال رسول الله ص من الدين المتعة وإظهار النعمة (همان، ۲۱/۳۵۸).

۲۰۲۷۴ - ۴ الکافی ۴۳۹/۶/۵ سهل بن الثالث عن أبي عبد الله ع قال أبصر رسول الله ص رجلاً شعثاً شعر رأسه وسخة ثيابه سيئة حاله فقال رسول الله ص من الدين المتعة وإظهار النعمة (فيض کاشانی، ۶۹۴/۲۰).

در وافی به جای مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ، عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ به الثلاثة تعبیر کرده و از نام تک تک روایان خودداری کرده است. همین روایت را جامع الاحادیث از کافی نقل کرده و نام تک تک روایان را ذکر نموده است (بروجردی، جامع الف، ۱۶/۶۷۷).

۷-۲-۲. توجه به اختلاف نسخ

مجمع علمی مؤلفین برای نقل احادیث، نسخه های متعددی از جوامع روایی در دست داشته اند و احادیث را با نسخه های مختلف مقابله کرده اند. اختلاف نسخ به دو گونه است:

الف- گاهی در متن حدیثی، در نسخه ای عبارت و کلمه ای ذکر شده است که آن عبارت و کلمه در نسخه بعدی به نحو دیگری نقل شده است. در جامع الاحادیث این نحوه از اختلاف نسخه مشخص شده و نسخه بدل آن در پاورقی ذکر شده است. به این نمونه توجه کنید:

۳۱۷۰۹ - (۲۳) تهذیب ۷ ج ۲ محمد بن یعقوب عن کافی ۱۴۸ ج ۵ علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن حماد بن عثمان «(۱) عن أبي عبد الله عليه السلام قال ترك التجارة ينقص العقل (بروجردی، جامع ۳، ۲۲/۲۷۸).

در نسخه ای، حماد بن عثمان آمده است، اما در نسخه بدل آن حماد عن الحلبي آمده است و در پاورقی به آن اشاره شده است: (۱) عن حماد عن الحلبي - یب.

ب- گاهی در نسخه ای کلمه ای اضافه در متن حدیث آمده است که در نسخه بدل آن، آن کلمه ذکر نشده است. در این صورت کلمه اضافه داخل دو پرانتز و با علامت خ در ادامه متن ذکر شده است. این کلمه اضافه گاه در متن و گاه در سند حدیث است. در متن نظیر:

۵۵۹۱ (۵) الدعائم ۱۳۷ ج ۱ روینا عن ابي عبدالله جعفر بن محمد عليهما السلام انه قال: لكل صلوة وقتان: اول وآخر، فاول الوقت افضله ... وآخر الوقت عفو الله (والعفو لا يكون الا من التقصير - خ) وان الرجل ليصلي في (غير - خ) الوقت وان مافاتة من الوقت خير له من اهله وماله (همان، ۴/ ۱۷۵). در سند مثل:

۵۵۶۸ (۳) فقيه ۱۴۶ ج ۱ قال ابو جعفر (الباقر - خ) عليه السلام: كان رسول الله صلّي الله عليه وآله لا يصلي من النهار شيئاً، حتى تزول الشمس... (همان، ص ۱۵۹).

۲-۲-۸. افزودن توضیحات برای فهم حدیث

بروجردی در ذیل احادیث توضیحاتی آورده است که فهم احادیث برای خوانندگان آسان تر شود، روایت زیر نمونه‌ای از این دسته است:

۳۱۹۱۸ - (۱) کافی ۴۳۵ ج ۶: محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن محمد بن خالد و الحسين بن سعيد جميعاً عن التّضربین سويد عن درست عن زيد الشّحام قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول اللّٰه عزوجل «فَاَجْتَنِبُوا الرّجسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» فقال الرّجس من الأوثان (هو - كا ۴۳۶) الشّطرنج وقول الزور الغناء «۱» (همان، ۲۲/ ۳۸۶). در پاورقی در مورد الغناء آمده است: (۱) الغناء من الصوت: ما طرب به - المنجد - اللسان - والغناء ككساء الصوت المشتمل على الترجيع المطرب أو ما يستى بالعرف غناء وإن لم يطرب. مجمع.

۲-۹-۲. تقطیع نکردن احادیث جز در موارد خاص

مؤلفین مجموعه جامع الاحادیث از تقطیع خودداری کرده و شیوه ارجاع را به کار برده‌اند. به این طریق، روایاتی را که متضمن چند حکم مختلف‌اند و قابل استفاده در ابواب مختلفی باشند، در بابی که مناسب‌تر است با روایت دارد، ذکر کرده و در سایر ابواب فقط به آن روایات ارجاع داده و تنها نشانی آن را ذکر کرده‌اند. در آخر همه ابواب بعد از ذکر تمام روایات باب، نشانی روایاتی که از آن‌ها در خصوص این باب می‌توان استفاده کرد، ذکر شده است. لذا کسانی که می‌خواهند آن روایات را ببینند، نشانی همه آن‌ها را در اختیار دارند و در صورت تمایل می‌توانند به آن روایات رجوع کنند. با وجود این، در برخی از روایات در جامع الاحادیث شیوه تقطیع به کار رفته است (همان، ۱/ ۱۷).

ویژگی روایاتی که تقطیع شده است، به قرار زیر است:

- ظهور معنای روایت با تقطیع آن تغییر نیابد، مانند احادیثی که علل احکام را بیان می‌کند یا وصایایی که انمه معصومین بیان کرده‌اند. چنین روایاتی مطالب ازهم گسسته‌ای دارند. لذا با تقطیع روایت خللی در ظهور مفهوم آن ایجاد نمی‌شود.

- روایاتی که در اول یا آخر آن مطالب غیر فقهی آمده باشد که با حذف آن خللی در مفهوم ایجاد نشود. چنین روایاتی نیز تقطیع شده‌اند.

- در روایات ابواب مقدمات که حاوی مباحث اصول است، تقطیع صورت گرفته است. در مواردی که روایتی تقطیع شده، سند آن در تمام ابوابی که قسمتی از روایت در آن ذکر شده، تکرار نشده است، بلکه تنها در یکی از ابواب، سند به طور کامل ذکر شده و در بقیه ابواب به آن اشاره شده است (← بروجردی، جامع الف، مقدمه، ۱/ ۲۰).

۱۰-۲-۲. اصلاح تعلیقات کافی

در کتاب کافی چنانچه سند حدیث بعدی مانند حدیث قبلی باشد، از ذکر آن خودداری شده که به اصطلاح به آن تعلیق گفته می‌شود. این کار فی حد نفسه در کتاب کافی ایراد شمرده نمی‌شود، بلکه نوعی اختصار معقول است. اما اگر روایات به همین صورت در مجموعه روایی دیگری نقل شود یا باعث اشتباه می‌شود یا مستنبط را به زحمت می‌افکند؛ زیرا باید با مراجعه به کتاب کافی بررسی شود که روایت اصلی از چه سندی برخوردار بوده است تا بخش حذف شده سند حدیث مورد شناسایی قرار گیرد. اما در چنین مواردی کتاب جامع الاحادیث سند را به طور کامل ذکر کرده است. به عنوان مثال:

۲۰۳ (۹۲) (محمد بن یحیی عن احمد بن محمد و عدة من اصحابنا عن سهل بن زیاد جميعاً معلق) ابن محبوب عن جميل بن صالح عن أبي عبيدة قال سألت ابا جعفر (ع) عن قول الله عز وجل: «الم غَلَبَتِ الرُّومُ فِي ادْنَى الْأَرْضِ» قال: فقال يا ابا عبيدة ان لهذا تاويلاً لا يعلمه الا الله والراسخون في العلم من آل محمد صلوات الله عليهم (الحديث) (همو، جامع، ۱/ ۲۴۳).

سند این حدیث در کافی تعلیق شده ولی چون روایات قبلی آن در جامع الاحادیث نیامده است، تعلیقات کافی تدارک شده و برای همه احادیث معلق، سند آن به طور کامل آمده و برای حفظ امانت در نقل حدیث از منبع اصلی آن، قسمت اصلاح شده سند داخل پراکنش قرار گرفته و در پایان آن، عبارت معلق ذکر شده است تا نشان دهد که این قسمت سند در منبع آن یعنی کافی به صورت معلق بوده است و دیگر نیاز به مراجعه به اصل سند حدیث در کافی نباشد.

۲-۲-۱۱. ترتیب در نقل احادیث

یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب، ترتیب احادیث در داخل ابواب است. در ترتیب روایات ابتدا روایاتی ذکر شده که موافق فتاوای مشهور فقهاست و همچنین روایات مطلق بر مقید و روایات عام بر خاص مقدم شده است.

الف) تقدیم روایات منطبق با فتاوای مشهور

یکی از ویژگی‌های این کتاب که آن را تبدیل به منبع ویژه‌ای برای فقها در استنباط احکام فقهی کرده است، این است که چینش روایات در هر بابی بر اساس این بوده است که روایاتی که موافق نظر مشهور فقها^۱ است، بر سایر روایات مقدم شود و دیگر روایات در درجه بعدی ذکر گردد (همان، ۱/ ۱۸). برای نمونه در باب «حجیة اخبار الثقات عن النبی»، روایاتی که نشان‌دهنده اعتبار و پذیرش راویان موثق است به صورت مفصل گزارش شده است. سپس در انتهای این باب به روایاتی اشاره شده است که بر عدم ضمانت ثقه اشعار دارند (← همو، جامع الف، ۱/ ۲۵۴).

ب) تقدیم روایات عام بر خاص

عام و خاص از مصطلحات علم اصول فقه است که علما اصول آن را در مبحث الفاظ مطرح می‌کنند. این دو اصطلاح از آن جهت مطرح می‌شود که فقها هنگام استنباط احکام شرعی از روایات در می‌یابند که بعضی روایات حکم مسأله‌ای را به صورت عام و بعضی دیگر حکم مسأله را به صورت خاص مطرح کنند، لذا یک تقسیم‌بندی به عنوان روایات عام^۲ و روایات خاص^۳ در روایات ایجاد می‌کنند. بروجردی (جامع^۳، ۱/ ۱۸) ابتدا آیات عام را در بخش آیات و روایات عام را در قسمت روایات ذکر کرده و سپس به آیات و روایات خاص پرداخته است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

او در ابواب «ما یکتسب به وما لا یکتسب به وما یناسبه» ابتدا روایات عام را بیان کرده و سپس روایات خاص را آورده است. به این ترتیب در ابتدا روایات «باب وجوب اجتناب عن الحرام و تحریم التکسب بانواع المحرمات و جواز بالمباحات» را در ابتدای باب مطرح کرده و سپس روایات خاص تحت عنوان «باب تحریم بیع الخمر و ثمنه و شرائه و غرسه...» را ذکر کرده است. روایات این باب نسبت به روایات باب متقدم خاص است. او در باب نخست به صورت عام حکم اجتناب از کسب حرام را بیان کرده و در باب بعدی یکی از مصادیق تکسب حرام را آورده است. این نحوه از ذکر روایات ترتیب منظم و نظم خاصی را در میان روایات ابواب ایجاد کرده است. لذا فقها و مراجعه‌کنندگان برای پیدا کردن روایات عام و خاص دچار مشکل نمی‌شوند.

۱- الشهرة باصطلاح الفقها علی کل ما لا یبلغ درجة الاجماع من الاحوال فی المسألة الفقیة الموجبة للاعتقاد بمطابقتها للمواقع من غیر این یدلغ درجة القطع (مظفر، ۲۶۰، ۱۴۵). در اصطلاح فقها شهرت یعنی شایع شدن فتوایی بین اکثر فقها چنان‌که به حد اجماع نرسیده باشد. این شهرت فتوایی باعث می‌شود که فقها اعتقاد پیدا کنند که این حکمی که موافق نظر مشهور است، مطابق با واقع است.

۱- اللفظ الشامل بمفهومه لجمیع ماصح انطباق عنوانه علیه فی ثبوت الحکم له (مظفر، ۱/ ۱۲۹). عام لفظی است که مفهوم آن شامل تمامی افراد موضوع در ثبوت حکم برای آن می‌شود.

۲- الحکم الذی لا یشمل الا بعض افراد موضوعه... (همانجا). خاص لفظی است که شامل بعضی از افراد موضوع می‌شود.

پ) تقدیم روایات مطلق^۱ بر مقید

در جامع احادیث الشیعه (همانجا) ابتدا روایاتی ذکر شده است که حکم را به صورت مطلق بیان می‌کنند و سپس روایات^۲ مقید نقل می‌شوند. این تقسیم‌بندی در روایات برای استنباط احکام و استفاده از روایات بسیار ضروری است؛ چون که اولاً برای استنباط حکمی از روایات باید مجموع روایات را در اختیار داشت. سپس باید روایات خاص و عام و مطلق و مقید را جدا کرد؛ چون که طبق مباحث اصولی نمی‌توان به روایات عام قبل از فحص از منحصص و به روایات مطلق قبل از فحص از مقیدات عمل کرد (مظفر، ۱/۱۴۴). مثال:

در جلد ۲ کتاب طهارت در باب احکام آب که یکی از مطهرات است، ابتدا احادیثی نقل شده که همه آب‌ها مطلقاً مطهرند. اما در ابواب بعدی به تفصیل احکام اقسام آب‌ها بیان شده و بر آن حکم کلی (آب‌ها مطلقاً مطهرند) بدین گونه قید خورده است که چه آب‌هایی پاک است و پاک‌کننده و چه آب‌هایی نجس است و روایات آن‌ها ذکر شده است (بروجردی، جامع ۳، ۱/۲).

ت) ترتیب مضمونی و شباهت لفظی روایات

یکی دیگر از خصوصیات که کیفیت محتوای کتاب را غنی کرده است، این است که در ترتیب داخلی روایات هر بابی، مضمون محتوای روایات ملاک قرار داده شده است و روایاتی که مضمون آن متحد است، در کنار هم قرار گرفته‌اند. از این جهت مراجعه‌کنندگان به کتاب همه روایاتی را که مضمون آن‌ها یکی است، در کنار هم در اختیار دارند. لذا به سادگی می‌توانند حکم کلی را از مجموع روایات به دست آورند. به عنوان مثال:

در جلد ۲۲ در باب اول، «باب طلب الرزق واسبابه وما یناسبه»، ابتدا احادیث اهمیت طلب رزق بیان شده و سپس در باب بعدی احادیث فضیلت طلب رزق ذکر شده و آنگاه میانه‌روی و اقتصاد در طلب رزق بیان شده است (همان، ۲۴/۲۲-۱۸۱).

۲-۲-۱۲. شیوه نقل احادیث مشابه (تلفیق روایات تکراری)

در میان احادیث، فقراتی هست که از حیث سند و متن در یک منبع یا در منابع مختلف تکرار شده است. ما این بحث را در کتاب جامع احادیث الشیعه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳- عرفوا المطلق بانه ما دل علی معنی شائع فی جنسه و یقابله المقید (مظفر، ۱/۱۵۷). مطلق لفظی است که دلالت می‌کند بر معنایی که تمام اجناس خود را شامل می‌شود، مانند لفظ انسان که بر مطلق انسان‌ها اطلاق می‌شود و مقابل آن لفظ مقید وجود دارد.

۲-۲-۱۲-۱. معیار شناخت روایات مشابه

هر روایتی از دو قسمت تشکیل شده است: سند و متن. دو حدیث مشابه در مقایسه با هم ممکن است یکی از این حالات را داشته باشد: ۱- هر دو حدیث از لحاظ سند و متن کاملاً یکسان باشند؛ ۲- هر دو حدیث از لحاظ سند فقط با هم وحدت دارند؛ ۳- هر دو حدیث از لحاظ متن فقط با هم وحدت دارند.

در جامع الاحادیث روشهای ذیل در ذکر روایات مشابه مورد بررسی قرار گرفته است:

الف - وحدت سندی و متنی: اگر هر دو روایت از جهت سند و متن مثل هم باشند، نام هر دو کتاب با شماره صفحه و جلد ذکر شده و سپس سند و متن بدان اضافه شده است. به این صورت: (۷) کافی ۴۰۷ ج ۲؛ تهذیب ۳۵۸ ج ۲ الحسین بن محمد عن معلی بن محمد... این بدان معناست که حدیث مذکور با یک متن و سند، در کافی جلد ۲ صفحه ۴۰۷ و در کتاب تهذیب الاحکام جلد ۲ صفحه ۳۵۸ تکرار شده است.

ب- وحدت متنی: اگر متن دو روایت یکسان باشد و فقط در سند با هم فرق داشته باشند. این اختلاف در سند سه حالت را بوجود می آورد:

۱- سندها از آغاز تا انتها کاملاً با هم متفاوت است؛

۲- در سند از آغاز مشترک است ولی در انتها با هم اختلاف دارند. در این دو حالت، سند و متن یکی از احادیث به طور کامل آورده شده و سپس سند حدیث دوم به طور کامل ذکر و به جای تکرار متن حدیث از کلمه «مثله» استفاده شده است. به این صورت:

۲۰۱۱ (۱۳) کافی ۷۲ ج ۳ ابوعلی الأشعری عن بعض اصحابنا عن اسماعیل بن مهران عن صباح الخداء عن سماعة قال كنت: ... ثواب الاعمال ۳۲ حدثني محمد بن الحسن قال حدثني محمد بن الحسن الصفار عن ابراهيم بن هاشم عن عمرو بن عثمان عن صباح الخداء عن سماعة بن مهران مثله... این حدیث از دو کتاب کافی و ثواب الاعمال نقل شده است. با کمی تفاوت از صباح به بعد با هم مشترک می باشند؛

۳- ابتدای سند از طرف مؤلف کتاب منبع مختلف است، اما سند روایت از طرف راویان متصل به امام معصوم علیهم السلام مشترک است. در این صورت دو حالت پیش می آید:

اول- یکی از سندها عام تر از سند دیگر است. یعنی یکی از سندها در ابتدای سند راویانی اضافه بر سند روایت دیگر دارد و در یک راوی به هم متصل می گردند و تا پایان سند با هم مشترک می شوند. در این گونه روایات به این نحو عمل شده است: ابتدا حدیث از منبعی نقل شده است که سند آن نسبت به سند روایت دیگر عام تر است. سپس در راوی که دو حدیث با هم مشترک می شوند، نام کتاب دیگر با نشانی آن

ذکر شده و سپس ادامه سند روایت ذکر گردیده و در پایان خود حدیث آورده شده است. به نمونه زیر توجه کنید:

(۳) کافی ۴۰۶ ج ۳ الحسین بن محمد عن عبدالله بن عامر عن تهذیب ۳۵۹ ج ۲ استبصار ۱۸۰ ج ۱ علی بن مهزیار عن فضاله عن ابان عن عبدالرحمن بن ابی عبدالله قال... (همانجا) سند این روایت از کافی شروع شده است تا به راوی مشترک یعنی علی بن مهزیار رسیده و سپس روایت را از تهذیب و استبصار نقل کرده است. سند روایت از علی بن مهزیار در کافی و تهذیب و استبصار با هم مشترک شده‌اند.

دوم- در این حالت در سند روایت اختلاف وجود دارد. در این حالت سندها از آغاز با هم اختلاف دارند، اما در یک راوی با هم مشترک می‌شوند و تا پایان سند با هم وحدت سندی پیدا می‌کنند. نحوه ذکر این گونه روایات به این نحو است که ابتدا سند حدیث از یکی از منابع ذکر شده است تا راوی که دو سند روایت با هم مشترک می‌شوند. سپس در آن راوی که مشترک می‌شوند، نام منبع دیگر با مشخصات ذکر می‌شود و تمام سند حدیث از این منبع آورده می‌شود و بعد از ذکر متن مشترک حدیث آورده می‌شود. به نمونه زیر توجه کنید:

۲۵۰۷ (۱۱) استبصار ۸۴ ج ۱ اخبرني الحسين بن عبيدالله عن احمد بن محمد بن يحيى عن محمد بن يحيى تهذیب ۱۶ ج ۱ اخبرني الشيخ ابي عبد الله عن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن ابيه عن محمد بن يحيى عن محمد بن علي بن محبوب (الأشعري- يب) عن احمد بن ابراهيم بن ابي محمود قال... (همان، ۴۱۴۸/۲). این روایت با سند مختلف در کتاب استبصار و تهذیب نقل شده است. ابتدا سند روایت تا راوی مشترک یعنی محمد بن يحيى از کتاب استبصار و سپس ادامه سند حدیث از تهذیب تا پایان سند آورده شده و به دنبال آن متن اصلی حدیث ذکر شده است. دو سند روایت تا محمد بن يحيى مختلف است و از محمد بن يحيى تا امام (ع) سندها با هم اشتراک دارند.

پ- وحدت سندی: اگر دو روایت از لحاظ متن با هم متفاوت باشند، اما از لحاظ سند با هم مشترک باشند، سه حالت زیر به وجود می‌آید:

۱- دو روایت در تمام سند با هم مشترک هستند. در این گونه روایات که سند روایت با روایت قبلی کاملاً مشترک است، به جای تکرار سند، تعبیر «بهذا الاسناد» ذکر شده است.

۲- دو روایت در بخشی از سند با هم مشترک هستند. در این حالت قسمت مشترک سند ذکر نشده و به جای آن تعبیر «بهذا الاسناد» آورده شده و سپس ادامه سند ذکر شده است که با سند قبلی مختلف است. به نمونه زیر دقت کنید:

۳۰۳۱۰ (۷) غیبة النعماني ۲۸۷ - حدثنا عبدالواحد بن عبدالله بن یونس قال حدثنا ابوسليمان احمد بن هوزة الباهلي قال حدثنا ابراهيم بن اسحاق النهاوندي قال حدثنا عبدالله بن حماد الانصاري عن المفضل بن عمر قال....

۳۰۳۱۱ (۸) فرضیه ۲۸۷ - بهذا الاسناد عن عبدالله بن حماد عن عمرو بن شمر قال... (همان، ۲۱/۳۷۵).

این دو روایت نیز در قسمتی از سند مشترک‌اند و در قسمتی دیگر مختلف. روایت دوم که با تعبیر «بهذا الاسناد» آغاز شده و اولین راوی آن عبدالله بن حماد است، بیانگر این است که سند این دو روایت از ابتدا (عبدالواحد بن یونس) تا عبدالله بن حماد مشترک‌اند، ولی از عبدالله بن حماد تا پایان با هم اختلاف دارند. ۳- متن دو روایت مختلف و در سند مشترک باشند، اما فقط امامی (ع) که روایت از او نقل شده، یکسان نیست. به نمونه زیر دقت کنید:

۲۸۲۰ (۳) کافی ۵۰ ج ۳ علی بن محمد و محمد بن الحسن عن سهل بن زیاد عن ابن ابی نصر عن جمیل بن دراج عن ابي عبدالله عليه السلام قال...

۲۸۲۱ (۴) فقیه ۵ ج ۴ بالاسناد المتقدم في باب كراهة سؤر الفاز عن علي عليه السلام... (همان، ۲/۵۴۶). این دو روایت هر دو یک سند دارند، با این تفاوت که روایت اول از امام جعفر صادق (ع) و روایت دوم از علی (ع) نقل شده است.

۲-۲-۱۳. کاربرد کلمه‌های «نحوه» و «مثله» در جامع الاحادیث

یکی از راه‌هایی که محدثین برای اختصار مجموعه‌های روایی خود به کار می‌گیرند، استفاده از تعبیری چون «مثله» یا «نحوه» است. این دو اصطلاح در جایی بکار می‌روند که از حیث سند و متن دو روایت کاملاً شبیه به هم داشته باشیم. در این شرایط یکی از احادیث می‌شود و به جای ذکر حدیث بعدی لفظ «مثله» یا «نحوه» به کار می‌رود.

در جامع الاحادیث در جایی که روایتی عیناً از لحاظ الفاظ و تعبیراتش تکرار شده باشد و هیچ اختلافی میان آن‌ها نباشد، لفظ «مثله» به کار رفته است. ولی لفظ «نحوه» در جایی استعمال شده که میان دو روایت از لحاظ الفاظ اختلاف بسیار جزئی وجود دارد. البته به شرطی که این اختلاف تأثیری در محتوا نداشته باشد. در این صورت از تکرار متن حدیث دوم خودداری شده و بعد از ذکر سند آن لفظ «نحوه» آورده شده است. برای مثال:

۲۸۲۱۰ (۱) کافی ۱۹۹ ج ۲ محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن ابن محبوب عن زید الشحام قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول من اغاث اخاه المؤمن الهفان للهفان عند جهده فنفس

کربته واعانه علي نجاح حاجته كتب الله عزوجل له بذلك اثنتين وسبعين رحمة من الله يعجل له منها واحده يصلح بها أمر معيشته و يدخر له احدي و سبعين رحمة لا فزاع يوم القيامة و اهو له.

۲۸۲۱۱ (۲) الثواب ۱۷۹ حدیثي محمد بن موسي بن المتوكل (رض) قال حدیثي علي بن الحسين السعدآبادي عن احمد بن محمد (و ذكره مثله سنداً و نحوه متناً) (همان، ۲۰/۳۰۰). ما این روایت را از کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال نقل می‌کنیم تا نحوه عملکرد جامع الاحادیث در نقل چنین روایاتی را بررسی نماییم: حدیثي محمد بن موسي بن المتوكل (رض) قال حدیثي علي بن الحسين السعدآبادي عن احمد بن محمد عن الحسن بن محبوب عن زيد الشحام قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول من اغاث اخاه المؤمن الهفان عند جهده فنفس كربته واعانه علي نجاح كانت له بذلك عند الله اثنتان وسبعين رحمة من الله يعجل له منها واحده يصلح بها معيسته و يدخر له احدي و سبعين رحمة لا فزاع يوم القيامة واهواله (ابن بابويه، ثواب، ۱۸۰).

در مقایسه دو روایت از لحاظ سند و متن می‌بینیم که سند هر دو روایت یکی است. لذا جامع الاحادیث هنگام نقل روایت از ثواب الاعمال به «مثله» تعبیر کرده، اما در نقل متن روایت تعبیر «و نحوه» را به کار برده است. چون که متن دو روایت در لفظ اختلافی جزئی دارند.

نتیجه‌گیری

سبک جامع احادیث الفقه از دو جنبه اصول تنظیم ابواب کتاب و اصول حاکم بر نقل احادیث مورد بررسی واقع شد. در بین اصول تنظیم ابواب کتاب، ابواب کتاب بر اساس ترتیب فقهی، تقدیم موضوعات اصولی بر فقهی، ذکر آیات الاحکام در ابتدای ابواب اهمیت بیشتری در شناخت سبک جامع الاحادیث دارد. در ضمن در بین اصول حاکم بر نقل احادیث، مورد جامعیت روایات هر باب، دقت فراوان در نقل احادیث، نقل از مصادر اولیه، تصحیح و مقابله مکرر، نقل عین سند و متن حدیث، نقل عین اسامی حدیث، توجه به اختلاف نسخ، تقطیع نکردن احادیث، اصلاح تعلیقات کافی، ترتیب در نقل احادیث، شیوه نقل روایات مشابه و توضیح عبارات «نحوه» و «مثله» قابل توجه است و کارایی آن در بررسی سبک کتاب جامع الاحادیث بیشتر است. البته کتاب حاضر با وجود این ویژگی‌ها، خالی از ضعف‌ها و انحراف از غرض اولیه نیست و ضعف‌های آن عبارت است از: استقصای ناقص آیات الاحکام، مشخص نشدن «عدة من اصحابنا» در اسناد کافی، مشخص نکردن افتادگی‌های احادیث من لا یحضره الفقیه و تهذیب الاحکام، غفلت در اسناد برخی از احادیث به مصادر اولیه و اسناد آن‌ها به وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل، با اینکه اسناد کامل آن در مصادر اولیه وجود دارند. در نهایت، با نظر داشتن ویژگی‌های شگرف و

امتیازات فراوان و البته با در نظر داشتن روش نو این کتاب در ارائه احادیث که بهره‌گیری مناسب از این احادیث را فراهم آورده است، نه تنها می‌توان این اثر را در شمار بهترین آثار در این زمینه بلکه حتی می‌توان بهترین منبع احادیث فقهی شیعه معرفی کرد.

منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

ابن بابویه (شیخ صدوق)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم، چاپ پنجم، ۱۴۳۱ ق.

_____، *علل الشرایع*، قم، مطبعه اسوه، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.

انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن، ۱۳۸۱.

ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

بروجردی، حسین، *جامع احادیث الشیعه*، المطبعة العلمية، ۱۳۹۹ ق.

_____، قم، نشر صفح، ۱۳۷۱-۱۳۸۳.

تبریزی، محمد، «امتیازها و ضعفهای جامع الاحادیث و روش استفاده از آن»، نشریه کاوشی نو در فقه اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۶، تابستان ۱۳۸۷.

حر عاملی، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

خویی، ابوالقاسم، *کتاب الطهاره*، قم، چاپخانه مهر، ۱۴۱۴ ق.

دوانی، علی، *زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی*، تهران، نشر مطهر، ۱۳۷۱.

دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، ۱۳۷۷.

دیلمی، حسن بن ابوالحسن، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل‌البتیت، بی تا.

سبحانی، جعفر، *مصادر الفقه الاسلامی و منابعه*، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

_____، «مصاحبه با آیت الله سبحانی»، حوزه، سال ۸، شماره ۱ و ۲، فروردین و تیر، ۱۳۷۰.

شریف رازی، محمد، *گنجینه دانشمندان*، تهران، اسلامی، ۱۳۵۲.

عجاج خطیب، محمد، *السنة قبل التدوین*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.

علوی، جواد، «آیت الله بروجردی در بروجرد»، حوزه، سال ۸، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۰.

غلام‌علی، مهدی، *سبک شناسی کتاب‌های حدیثی*، تهران، سمت، ۱۳۸۹.

فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان: انتشارات امام امیر المومنین، ۱۳۶۵.

مظفر، محمد رضا، *اصول الفقه*، بی جا، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ ق.

معزی ملایری، اسماعیل، *جامع احادیث الشیعه*، مقدمه محمد حسن بروجردی، قم، ۱۳۷۱.

مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.

محدث نوری، حاج میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البتیت، ۱۹۸۷ م.